

یادداشت

آکرزی دلار به تلاطم سیاسی



حمید تهرانفر

معاون اسبق نظارت بانک مرکزی

افزایش دوباره نرخ دلار در بازار آزاد در شرایطی رخ داده که بازار ارز بیش از گذشته به اخبار و تحولات سیاسی حساس شده است. در چنین فضایی، نگرانی درباره آینده می‌تواند خیلی سریع به رفتار هیجانی در بازار تبدیل شود و تقاضایی ایجاد کند که لزوماً از نیاز واقعی اقتصادی ناشی نمی‌شود.

وقتی احتمال تشدید تنش یا وقوع درگیری مطرح می‌شود، بخشی از مردم برای حفظ ارزش دارایی خود به سمت خرید ارز می‌روند. از سوی دیگر، نگرانی از اینکه قیمت‌ها در روزهای آینده بالاتر برود، باعث شکل‌گیری نوعی ترس از جا ماندن می‌شود؛ یعنی افراد ترجیح می‌دهند امروز خرید کنند تا فردا مجبور به خرید با قیمت بالاتر نشوند. همین رفتار می‌تواند افزایش قیمت را تشدید کند.

در واقع ممکن است در فاصله کوتاهی اتفاقی بنیادینی در اقتصاد رخ نداده باشد، اما تغییر انتظارات باعث شود قیمت دلار در یک روز با شدت بیشتری حرکت کند. به همین دلیل، بخشی از جهش اخیر را باید در فضای روانی و انتظارات بازار جست‌وجو کرد. در این شرایط، حتی اخبار و اظهارنظرهایی که هنوز اثر مستقیمی بر متغیرهای اقتصادی ندارند، می‌توانند به دلیل نگرانی‌های موجود، واکنش سریع بازار را به دنبال داشته باشند. البته این موضوع به معنای نادیده گرفتن مشکلات بنیادی اقتصاد نیست. رشد نقدینگی و سایر مسائل اقتصادی همچنان از عوامل زمینه‌ای بازار ارز هستند و اصلاح آنها نیز طبیعتاً فرآیندی زمان‌بر خواهد بود. اما میان این عوامل بلندمدت و محرک‌هایی که در کوتاه‌مدت باعث جهش قیمت می‌شوند، باید تفاوت قائل شد.

در چنین شرایطی، نقش مسئولان اقتصادی در مدیریت انتظارات اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. زمانی که مردم نسبت به آینده نگران هستند، هرچه ابهام بیشتر باشد، احتمال شکل‌گیری شایعات و رفتارهای هیجانی نیز افزایش پیدا می‌کند.

ادامه یادداشت در صفحه ۲



پشت صحنه انتقاد و افترا علیه بانک مرکزی از پارلمان بخش خصوصی

اتاق بازرگانی یا تریبون رانت ارزی؟

اگر اتاق بازرگانی نسبت به آثار تورمی حذف ارز ترجیحی نگرانی دارد، باید عدد و تحلیل ارائه کند. اگر معتقد است اجرای سیاست اشتباه بوده، باید مدل جایگزین بدهد. اگر معتقد است تولیدکننده آسیب دیده، باید مشخص کند کدام صنعت، با چه میزان آسیب و به چه دلیل. اگر معتقد است قیمت کالاهای اساسی بیش از اندازه افزایش یافته، باید داده ارائه کند. این یعنی نمایندگی واقعی بخش خصوصی.

رسانه تحلیل‌گر یا تریبون فرصت‌طلب؟

اما اینکه هر روز مجموعه‌ای از رسانه‌های معلوم‌الحال، وابسته به یک جریان سیاسی ورشکسته و زنبیل‌به‌دست، به این نهاد دعوت شوند و با تیتروهای خلاف واقع به آخرین سنگر ارزی کشور حمله کنند، دیگر اسمش نقد کارشناسی نیست. اینجا باید حساس شد.

چون در اقتصاد، هر سیاستی برنده و بازنده دارد. وقتی یک دولت ارز را با نرخ بسیار پایین‌تر از بازار در اختیار گروهی قرار می‌دهد، کسی که به آن ارز دسترسی پیدا می‌کند، طبیعتاً از یک امتیاز برخوردار می‌شود. وقتی این امتیاز حذف می‌شود، طبیعی است که دارنده آن امتیاز ناراضی باشد. اما نارضایتی ذی‌نفع رانت را نباید با صدای بخش خصوصی اشتباه گرفت. این دو یکی نیستند.

ادامه خبر در صفحه ۲

اتاق ایران رسماً توقف تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی و حرکت به سمت تکنرخی شدن ارز را مطالبه کرده بود. در سال‌های اخیر نیز اعضای اتاق ایران، از جمله دبیرکل اتاق، حذف ارز ترجیحی را اقدامی برای کاهش رانت و فساد دانسته‌اند. پس مسئله امروز چیست؟ مسئله این است که وقتی یک سیاست اصلاحی اجرا می‌شود و بخشی از منافع ناشی از شکاف‌های قیمتی را از میان می‌برد، طبیعی است که گروه‌هایی ناراضی شوند. این نارضایتی قابل فهم است؛ اما یک نهاد صنفی و اقتصادی نباید اجازه دهد این نارضایتی به خط تولید روایت علیه اصلاحات اقتصادی ضروری کشور تبدیل شود.

مرز نقد و تخریب کجاست؟

متأسفانه اتاق بازرگانی امروز به همکار بی‌جیره و مواجب تعدادی باج‌نیوز و رسانه معلوم‌الحال تبدیل شده است که با وجود علم به وضعیت اقتصادی و شرایط اضطراری جنگی، صرفاً به دلایل سیاسی و شخصی، به‌صورت مداوم علیه بانک مرکزی و ریاست آن تولید محتوا می‌کنند و هیچ ابایی از تشویش اذهان مردم و القای ناکارآمدی سیستم و توهین و تهمت ندارند. آخرین آنها هم صحبت‌های یکی از منتفعان ارز رانتهی درباره نقش بانک مرکزی در وقایع دی‌ماه گذشته است.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی مدتی است که به کانون تولید محتوا علیه بانک مرکزی و شخص رئیس کل بانک مرکزی تبدیل شده است. اتاق بازرگانی یک نهاد مهم در اقتصاد ایران است؛ نهادی که قرار است صدای تولیدکننده، صادرکننده، سرمایه‌گذار و فعال اقتصادی واقعی و خیرخواه ایران و مطالبه‌گر رقابت و شفافیت در اقتصاد باشد؛ نه صدای کسانی که منافعشان از اختلاف قیمت‌ها و رانت ارزی تأمین می‌شده است. همچنین اتاق بازرگانی نباید ابزار رسانه‌های مغرضی باشد که بانک مرکزی دستشان را از اموال عمومی کوتاه کرده است.

سال‌هاست اقتصاد ایران با یک بیماری مزمن دست‌وپنجه نرم می‌کند: چندنرخی بودن ارز. فاصله میان نرخ‌های مختلف ارز، به‌جای آنکه الزاماً به مصرف‌کننده نهایی کمک کند، در بسیاری از موارد به بستری برای تخصیص غیرشفاف، ویژه‌خواری و سودهای غیرمولد تبدیل شده است.

ارز ترجیحی؛ از حمایت تا رانت

حتی خود فعالان و مدیران اتاق بازرگانی نیز در سال‌های گذشته بارها از حذف ارز ترجیحی و حرکت به سمت نظام ارزی شفاف‌تر دفاع کرده‌اند. در سال ۱۳۹۸،



اقتصاد ایران تحریم‌پذیر نیست

مرتضی زمانی‌ان معاون راهبری و سیاست‌گذاری اقتصادی وزیر اقتصاد، با اشاره به محدودیت‌های ایجادشده در مسیر تجارت خارجی کشور اظهار کرد: تیم اقتصادی دولت هم‌زمان با اقداماتی که در حوزه‌های امنیتی، نظامی و سیاسی در حال انجام است، برنامه‌ریزی برای مدیریت آثار محدودیت‌های تجاری و اقتصادی را نیز دنبال می‌کند.

وی با بیان اینکه ایران به دلیل برخورداری از مرزهای گسترده و مسیرهای متنوع تجاری، ظرفیت‌های متعددی برای ادامه تجارت خارجی دارد، تصریح کرد: «کشور ما با مرزهای گسترده‌ای که دارد مطلقاً تحریم‌پذیر نیست»؛ به این معنا که امکان ورود و خروج کالا از کشور را نمی‌توان به شکلی که مدنظر محدودکنندگان است، به طور گسترده کاهش داد.

پایان صدور چک‌های رم‌دار

بر اساس تازه‌ترین بخشنامه بانک مرکزی به شبکه بانکی کشور، با راه‌اندازی نسخه جدید سامانه چکاوک، فرایند ساماندهی و جایگزینی چک‌های رم‌دار با چک‌های تضمین‌شده در ۲ مرحله، اجرایی و عملیاتی می‌شود.

بر همین اساس، از ابتدای روز سه‌شنبه ۷ مهرماه ۱۴۰۵ (گام اول)، صدور هرگونه چک رم‌دار بین‌بانکی ممنوع شده و تمامی شعب بانک، نسبت به صدور چک تضمین‌شده اقدام می‌کنند.

همچنین مشتریان و ذی‌نفعان می‌توانند به‌منظور اطمینان کامل از اصالت چک، وضعیت چک تضمین‌شده را به‌صورت برخط و آنی از طریق سامانه صیاد (پیچک) بانک مرکزی استعلام نمایند.

زمین برای مسکن کارگری پیدا شد

معاون وزیر راه و شهرسازی درباره آخرین وضعیت مسکن کارگری گفت: بر اساس توافقاتی که با بنگاه‌های اقتصادی انجام داده‌ایم، حدود ۶ هزار و ۲۲۵ هکتار زمین در ۱۶ استان کشور شناسایی شده که این میزان زمین برای تأمین مسکن حدود ۱۸۰ هزار نفر در نظر گرفته شده است.

علی نبیان افزود: به محض اینکه عملیات آماده‌سازی به پایان برسد، باید در سریع‌ترین زمان ممکن این اراضی وارد مرحله ساخت شوند.

نبیان با اشاره به اقدامات دولت برای حمایت از متقاضیانی که توان تأمین آورده کافی ندارند، گفت: به‌طور مشخص برای حمایت از متقاضیانی که توان تأمین آورده مورد نیاز را ندارند، اقداماتی در نظر گرفته شده است. همان‌طور که اشاره کردم، برای دهک‌های یک تا چهار حدود ۷ همت منابع مالی تأمین شده است.

صف طولانی کامیون‌ها در مرزها

رئیس هیات مدیره انجمن صنفی شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی ایران با اشاره به ایستایی ۱۶ تا ۱۷ روزه کامیون‌ها در مبادی مرزی شرق و غرب کشور، از نبود مدیریت یکپارچه مرزی، فشارهای سنگین مالیاتی و هجوم شرکت‌های غیرتخصصی به حوزه جاده‌ای انتقاد کرد و گفت: ورودی پرونده‌های کمیسیون حل اختلاف انجمن نسبت به سال گذشته رشد ۴ تا ۵ برابری داشته است.

یک اقتصاددان در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد

نبض بازار ارز با سیاست می‌زند



اهمیت کنترل نقدینگی

افقه در بخش دیگری از صحبت‌های خود به نقش نقدینگی اشاره کرد و گفت: در شرایط فعلی، کنترل نقدینگی یکی از ابزارهایی است که می‌تواند به مدیریت بازار ارز کمک کند. وی توضیح داد: انتظارات می‌تواند به صورت بالقوه قیمت‌ها را افزایش دهد، اما این نقدینگی است که امکان بالفعل شدن این فشار را فراهم می‌کند.

به گفته افقه، اگر نقدینگی به‌درستی مدیریت شود، می‌توان بخشی از آثار ناشی از انتظارات را کنترل کرد و سرعت افزایش نرخ ارز را کاهش داد.

این اقتصاددان در عین حال تأکید کرد: تا زمانی که تحریم‌ها ادامه دارد و منابع ارزی کشور محدود است، امکان کنترل کامل نرخ ارز وجود ندارد.

افقه گفت: در چنین شرایطی، سیاست‌گذار پولی می‌تواند با استفاده از ابزارهایی مانند کنترل نقدینگی، تا حدی سرعت افزایش نرخ ارز را کاهش دهد؛ اما بخش مهمی از روند بازار همچنان به شرایط سیاسی، میزان دسترسی به منابع ارزی و انتظارات فعالان اقتصادی بستگی دارد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: برای تحلیل بازار ارز باید تحولات سیاسی، محدودیت منابع ارزی، انتظارات و نقدینگی را در کنار یکدیگر دید.

افقه ادامه داد: اگر درآمدهای ارزی افزایش پیدا کند، نرخ ارز کاهش می‌یابد و اگر منابع ارزی کاهش پیدا کند، نرخ ارز بالا می‌رود. انتظارات نیز مانند کمبود منابع، یک عامل واقعی و اثرگذار است؛ بنابراین هر افزایش قیمتی را نمی‌توان صرفاً حباب دانست.

کنترل بازار در شرایط بحرانی

این اقتصاددان درباره نحوه مدیریت نرخ ارز در شرایط فعلی گفت: در شرایط عادی، سازوکار بازار اهمیت دارد، اما در شرایط بحرانی، دولت باید برای تأمین نیازهای اساسی و حیاتی اقتصاد مداخله کند.

وی با اشاره به تجربه سایر کشورها افزود: حتی کشورهای سرمایه‌داری نیز در زمان جنگ و بحران، بازارهای حساس را کنترل می‌کنند و اجازه نمی‌دهند اختلال در این بازارها به معیشت مردم منتقل شود.

افقه تأکید کرد: در اقتصادی که وابستگی بالایی به تجارت خارجی و ارز دارد، سیاست‌گذار باید برای تأمین ارز مورد نیاز کالاهای اساسی و نیازهای حیاتی، بازار را مدیریت کند.

وی تصریح کرد: البته این موضوع لزوماً به معنای ارزپاشی نیست. سیاست‌گذار می‌تواند بدون عرضه گسترده ارز، قیمت ارز مورد نیاز بخش‌های ضروری اقتصاد را مدیریت کند و هم‌زمان با سوءاستفاده‌کنندگان از شرایط بازار برخورد داشته باشد.

یک اقتصاددان معتقد است: بخش عمده‌ای از آنچه منجر به نوسانات نرخ ارز می‌شوند؛ موضوعات سیاسی و محدودیت‌های ارزی ناشی از آن است.

مرتضی افقه، اقتصاددان، در گفتگویی با تازه‌های اقتصاد، در تشریح این موضوع به موضوع تشدید تحریم‌ها اشاره کرد و گفت: بر این اساس دسترسی کشور به منابع ارزی حاصل از فروش نفت محدودتر شده است. وی در عین حال تصریح کرد: نرخ ارز مدت‌هاست که به‌شدت از تحولات سیاسی و روابط خارجی اثر می‌پذیرد. از سال ۱۳۹۷ و با تشدید تحریم‌ها، روابط خارجی به یکی از متغیرهای اصلی اثرگذار بر اقتصاد ایران تبدیل شده است.

افقه افزود: اثر این تحولات بر بازار ارز بسیار سریع است. یک اظهارنظر مثبت یا منفی از سوی مقام‌های ایران یا آمریکا می‌تواند بلافاصله نرخ ارز و قیمت طلا را تحت تأثیر قرار دهد؛ در حالی که اثر آن بر سایر کالاها معمولاً با فاصله زمانی بیشتری ظاهر می‌شود.

این اقتصاددان با اشاره به محدودیت دسترسی ایران به منابع ارزی گفت: بخش قابل توجهی از افزایش‌های نرخ ارز همچنان از همین شرایط ناشی می‌شود و تا زمانی که محدودیت‌های ارزی و تحریم‌ها ادامه داشته باشد، این عامل همچنان در بازار اثرگذار خواهد بود.

نقش انتظارات بر بازار ارز

افقه در ادامه با رد تأثیر صرف انتظارات روانی بر بازار ارز گفت: انتظارات مردم یک متغیر واقعی در اقتصاد است و نمی‌توان اثر آن را از تحلیل بازار حذف کرد. زمانی که مردم انتظار دارند شرایط اقتصادی در آینده دشوارتر شود، تقاضا برای ارز افزایش پیدا می‌کند و این افزایش تقاضا نیز در نهایت بر قیمت اثر می‌گذارد.

این استاد دانشگاه در عین حال به دیدگاه برخی افراد که در حال حاضر قیمت ارز را غیر واقعی یا دارای حباب می‌دانند، اظهار کرد: یک دیدگاه آن است که تفاوت نرخ تورم ایران و آمریکا می‌تواند یک مبنای محاسبه نرخ ارز باشد، اما باید به خاطر داشت که این تنها عامل موثر نیست. درآمدهای ارزی و انتظارات نیز باید در این محاسبه در نظر گرفته شوند.

اتاق بازرگانی یا تریبون رانت ارزی؟

بزرگ‌نمایی‌های خلاف واقع فرق دارد. نقد با تبدیل شدن به ابزار سیاسی‌کاری جناح‌های ورشکسته فرق دارد.

نقد یعنی عدد. نقد یعنی سند. نقد یعنی مقایسه. نقد یعنی ارائه راه‌حل. نقد یعنی پذیرفتن اینکه سیاست قبلی نیز هزینه و خطا داشته است.

بانک مرکزی دشمن بخش خصوصی نیست. بانک مرکزی اگر بخواهد رانت ارزی را حذف کند، در مقابل تولیدکننده واقعی نایستاده است؛ در مقابل سازوکاری ایستاده که سال‌ها منابع عمومی را در اختیار گروه‌هایی قرار داده که لزوماً بیشترین ارزش اقتصادی را برای کشور ایجاد نکرده‌اند.

اتاق باید طرف تولید باشد، نه رانت

اگر اتاق بازرگانی واقعاً مدافع بخش خصوصی است، باید طرف تولید باشد؛ نه طرف رانت. باید طرف رقابت باشد؛ نه طرف امتیاز. باید طرف شفافیت باشد؛ نه طرف تفاوت نرخ.

و مهم‌تر از همه، اتاق بازرگانی باید مراقب باشد که صدای کسانی که سفره یک رانت قدیمی از جلوی‌شان جمع شده، با صدای کل بخش خصوصی اشتباه نشود. اتاق بازرگانی برای دفاع از اعتبار خود باید این مرز را روشن کند.

آکرزی دلار به تلاطم سیاسی

ادامه یادداشت یک در مقابل، اطلاع‌رسانی شفاف و به‌موقع می‌تواند بخشی از این نگرانی را کاهش دهد. به‌ویژه بانک مرکزی می‌تواند با توضیح روشن درباره شرایط بازار ارز، سیاست‌های در دست اجرا و ظرفیت‌های موجود برای مدیریت بازار، مانع از آن شود که نگرانی‌های مقطعی به موج گسترده تقاضا تبدیل شود. در شرایطی که بازار به اخبار واکنش سریع نشان می‌دهد، یک توضیح دقیق و به‌موقع می‌تواند به تخلیه بخشی از هیجان کمک کند. این موضوع به معنای آن نیست که مشکلات اقتصادی با یک اظهارنظر حل می‌شود؛ بلکه هدف، جلوگیری از آن است که نگرانی و ابهام موجود، به رفتارهای شتاب‌زده و افزایش بیشتر تقاضا منجر شود.

از این منظر، در مقطع فعلی دو موضوع باید هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد: اصلاح تدریجی مشکلات اقتصادی از یک سو و مدیریت انتظارات و جلوگیری از شکل‌گیری هیجان در بازار از سوی دیگر.

بازار ارز زمانی که نسبت به اخبار حساس شده باشد، می‌تواند به یک خبر واکنش بسیار بزرگ‌تری نسبت به اثر واقعی آن خبر نشان دهد. بنابراین در کنار سیاست‌های اقتصادی، ارتباط شفاف و مستمر مسئولان با جامعه نیز می‌تواند در جلوگیری از تشدید نوسانات کوتاه‌مدت نقش داشته باشد.

پایان عمر طلایی اقتصاد برلین

آلمان قافیه را به چین و بحران انرژی باخت



■ چین از بازار طلایی آلمان به رقیب صنعتی تبدیل شد

چین که پنج سال پیش دومین مقصد بزرگ صادرات کالاهای آلمان بود، در نیمه نخست ۲۰۲۶ با افت بیش از ۱۲ درصدی واردات از این کشور، به رتبه نهم سقوط کرد. همزمان، بیش از سه‌چهارم شرکت‌های مهندسی مکانیک آلمان، چین را بزرگ‌ترین تهدید راهبردی برای کسب‌وکار خود می‌دانند.

هنگفتی برای نوسازی زیرساخت‌ها تزریق کنید، اما اثربخشی واقعی این سیاست‌ها کاملاً به کیفیت اجرا و همراه شدن آن‌ها با اصلاحات ساختاری عمیق برای ارتقای رقابت‌پذیری بستگی خواهد داشت. در کنار این موانع داخلی، فشار پایدار هزینه‌های انرژی و تبعات مخرب تنش‌های ژئوپلیتیک نیز پیکره‌ی صنعت آلمان را به‌شدت به چالش کشیده‌اند. به‌دنبال از دست رفتن جریان گاز ارزان‌قیمت خطوط لوله، هزینه‌های تأمین برق و سوخت صنعتی در آلمان همچنان تقریباً دو برابر ایالات متحده باقی مانده است؛ مسئله‌ای که ضرباتی جبران‌ناپذیر به صنایع انرژی‌بر زنجیره‌ی تأمین وارد کرده است. شعله‌ور شدن مناقشات خاورمیانه نیز این آسیب‌پذیری ساختاری را تشدید کرد؛ به‌طوری‌که قیمت انرژی در آلمان در مارس ۲۰۲۶ نسبت به سال قبل ۷.۲ درصد جهش یافت و شاخص معتبر سنجش تأثیر گذار انرژی اتاق

بازرگانی آلمان به عدد منفی ۱۱.۵ سقوط کرد که پایین‌ترین سطح آن از سال ۲۰۲۳ است. این شرایط بحرانی باعث شده است تا شرکت‌های زیادی برنامه‌های سرمایه‌گذاری داخلی خود را به تعویق انداخته یا انتقال خطوط تولید به خارج از کشور را به جدیتی بی‌سابقه بررسی کنند. آلمان اکنون در یک نقطه عطف تاریخی و بسیار حساس قرار گرفته است. بازآفرینی مدل اقتصادی سنتی، مبتنی بر صادرات و پرهزینه‌ی این کشور، نیازمند اراده‌ای پولادین برای نوسازی اساسی زیرساخت‌ها، رفع موانع دست‌وپاگیر اداری و تطبیق هوشمندانه‌ی پایه‌ی صنعتی با واقعیت‌های دگرگون‌شده‌ی اقتصاد جهانی است. این تصمیمات راهبردی و سرنوشت‌ساز، نه تنها آینده‌ی سیاسی و اقتصادی برلین، بلکه چشم‌انداز رشد کل اتحادیه اروپا را در سال‌های پیش رو رقم خواهد زد و آینده سرنوشت‌ساز کل این قاره را به‌طور کامل تعیین و ترسیم خواهد کرد.

شوک به اقتصاد شیخ‌نشین‌ها



قطر با سقوطی کم‌سابقه به حدود یک‌دهم (۱۰ درصد) سطح پیش از بحران رسیده است که افت ۹۰ درصدی را نشان می‌دهد. علاوه بر قطر، اقتصادهای کویت و بحرین نیز فاصله معناداری با دوران رونق گذشته خود دارند. این شوک‌های شدید درآمدی، شرکت‌ها و غول‌های تجاری منطقه مانند «بانک اول ابوظبی» و گروه غذایی «اغذیه» را واداشته است تا برای بقا و حفظ حاشیه سود، بازارهای پویاتر شرق آسیا و مصر را به‌عنوان مقاصد جایگزین هدف‌گذاری کنند. کارشناسان اقتصادی معتقدند این چالش‌ها زنگ خطری جدی است تا دولت‌های منطقه سرعت تنوع‌بخشی به اقتصاد خود را افزایش دهند.

آلمان مدت‌هاست که از مقام تاریخی خود به عنوان موتور محرک اقتصاد یورو فاصله گرفته و به یکی از کندترین مهره‌های این بلوک تبدیل شده است. ارزیابی‌های کلان اقتصادی نشان می‌دهند پس از انقباض در سال ۲۰۲۳ و رکود نسبی در ۲۰۲۴، اقتصاد این کشور در سال ۲۰۲۵ نیز تنها رشد ناچیز ۰.۲ درصدی را ثبت کرد. هرچند در فصل‌های اول و دوم سال ۲۰۲۶ نشانه‌های ضعیفی از بهبود با رشدهای فصلی ۰.۴ و ۰.۳ درصد بروز کرد، اما وزارت اقتصاد آلمان ناچار شد پیش‌بینی رشد کل سال را به کف ۰.۵ درصد کاهش دهد. این تصمیم، معلول شوک‌های سنگین قیمتی انرژی ناشی از تنش‌های خاورمیانه است که چشم‌انداز خروج از رکود را با ابهام مواجه ساخته و فعالان اقتصادی را در برزخی نگران‌کننده قرار داده است.

ریشه این عقب‌ماندگی فرسایشی را باید در قلب تپنده‌ی اقتصاد آلمان، یعنی بخش تولید و شبکه‌ی شرکت‌های کوچک و متوسط موسوم به میتل‌اشتاند جست‌وجو کرد. این بنگاه‌های خانوادگی و انعطاف‌پذیر، دهه‌هاست ستون فقرات اشتغال، نوآوری‌های تخصصی و صادرات قدرت‌مند این کشور بوده‌اند. با این حال، بحران کنونی آلمان صرفاً یک نوسان موقت نیست؛ آمارها نشان می‌دهند ارزش‌افزوده بخش تولیدی آلمان از سال ۲۰۱۷ در یک روند نزولی قفل شده و کل تولید صنعتی آن اکنون حدود ۱۵ درصد پایین‌تر از سقف تاریخی خود قرار دارد. صندوق بین‌المللی پول صراحتاً تأکید کرده است که بخش‌های تولید و ساختمان، مسئول اصلی شکاف رشد منفی آلمان در مقایسه با سایر کشورهای منطقه یورو هستند.

بر اساس پژوهش بانک مرکزی قطر، سایه سنگین مشکلات ساختاری و چالش‌های مزمن در درون مرزهای آلمان گسترده شده است. دهه‌ها سرمایه‌گذاری قطره‌چکانی، فرسودگی زیرساخت‌های حیاتی، عقب‌ماندگی آشکار در دیجیتالی‌سازی، بوروکراسی سنگین اداری و بحران کمبود نیروی کار ماهر، دست و پای پتانسیل رشد اقتصادی را بسته است. هرچند دولت آلمان اخیراً ناچار شده با اصلاح قوانین مربوط به سقف بدهی، دست به انبساط مالی بزرگ بزند و بودجه‌های

اقتصاد کشورهای حوزه خلیج فارس پس از ماه‌ها تنش و بحران، این روزها با مسیری بسیار کند و شکننده برای بازگشت به رونق روبه‌رو است. این رکود ساختاری اکنون از بخش کلان انرژی فراتر رفته و مستقیماً به کسب‌وکارهای خدماتی، خرده‌فروشی و سفره مردم در امارات متحده عربی سرایت کرده است.

در امارات، گرانی هزینه‌های زندگی و کاهش ورود گردشگران متمول موجب شده تا رفتار مصرف‌کنندگان کاملاً محتاطانه شود و فضای کسب‌وکارها زیر فشار انقباضی قرار بگیرد. در همین راستا، گزارش‌های مالی نیمه‌نخست سال نشان می‌دهد شرکت «طلبات»، به‌عنوان بزرگ‌ترین پلتفرم سفارش آنلاین غذا در منطقه، با افت ۳۰ درصدی سود پیش از مالیات در حوزه خلیج فارس روبه‌رو شده است؛ هرچند فعالیت این شرکت در مصر همچنان روند رو به رشدی دارد. همزمان با این افت، زنجیره فروشگاهی معروف «اسپینیز» کاهش فروش ثبت کرده و صنعت هتلداری دبی با بحران‌هایی نظیر افت نرخ اشغال اتاق‌ها، تعلیق نیروهای کار و کاهش دستمزدها دست‌وپنجه نرم می‌کند.

در بخش کلان اقتصادی نیز ضربه بحران‌ها به درآمدهای ارزی و انرژی منطقه بسیار سهمگین بوده است؛ به‌طوری‌که داده‌های تجاری ماه اوت نشان می‌دهد صادرات گاز طبیعی مایع (LNG)

کوتاه از جهان

زخم تقاضای داخلی بر تن تولید چین

شتاب رشد سود شرکت‌های صنعتی بزرگ چین برای چهارمین ماه پیاپی کند شد و در اوت به ۴.۲ درصد رسید؛ ضعیف‌ترین رکورد از نوامبر ۲۰۲۵ که ناشی از بحران مسکن، گرانی انرژی و جنگ فرسایشی قیمت‌هاست. این رقم در آوریل به ۲۴.۷ درصد رسیده بود.

با این حال، عملکرد تجمیعی ۸ ماه نخست سال رشد مثبت ۱۵.۷ درصدی را نشان می‌دهد که در مقایسه با رشد شکننده ۰.۶ درصدی کل سال ۲۰۲۵ بهبود چشمگیری است. داده‌ها از شکافی عمیق حکایت دارند. رونق هوش مصنوعی و تجهیزات رایانه‌ای، سود بخش الکترونیک را ۱۱۰ درصد جهش داد و دو برابر کرد؛ در نقطه مقابل، رقابت شدید قیمتی، سود خودروسازان را ۱۶ درصد کاهش داد و صنایع مصرفی نظیر پوشاک و مبلمان را دچار افت کرد. این تضاد آشکار، فشارها بر پکن را برای تزریق بسته‌های حمایتی به زیرساخت‌ها و تقویت تقاضای داخلی دوچندان کرده است.

بنزین، تورم روسیه را هل داد

وزارت توسعه اقتصادی روسیه پیش‌بینی کرد نرخ تورم در پایان سال ۲۰۲۶ به ۶.۸ درصد برسد؛ رقمی که در مقایسه با تورم ۵.۶ درصدی سال گذشته، افزایش معناداری را نشان می‌دهد. بر اساس گزارش اداره آمار «روس‌استات»، تورم سالانه در اوت به ۶.۳۳ درصد رسیده است. گرچه شاخص قیمت‌ها در اوت افت ماهانه جزئی ۰.۰۸ درصدی را ثبت کرد، اما عامل اصلی جهش تورم سالانه، گرانی حامل‌های انرژی و به‌ویژه بنزین است. برآوردها حاکی از آن است که بنزین به‌تنهایی ۲.۴ واحد درصد به رشد قیمت اقلام غیرخوراکی می‌افزاید؛ در نتیجه، تورم این گروه به ۶.۷ درصد می‌رسد، در حالی که بدون اثر سوخت تنها ۴.۳ درصد بود.

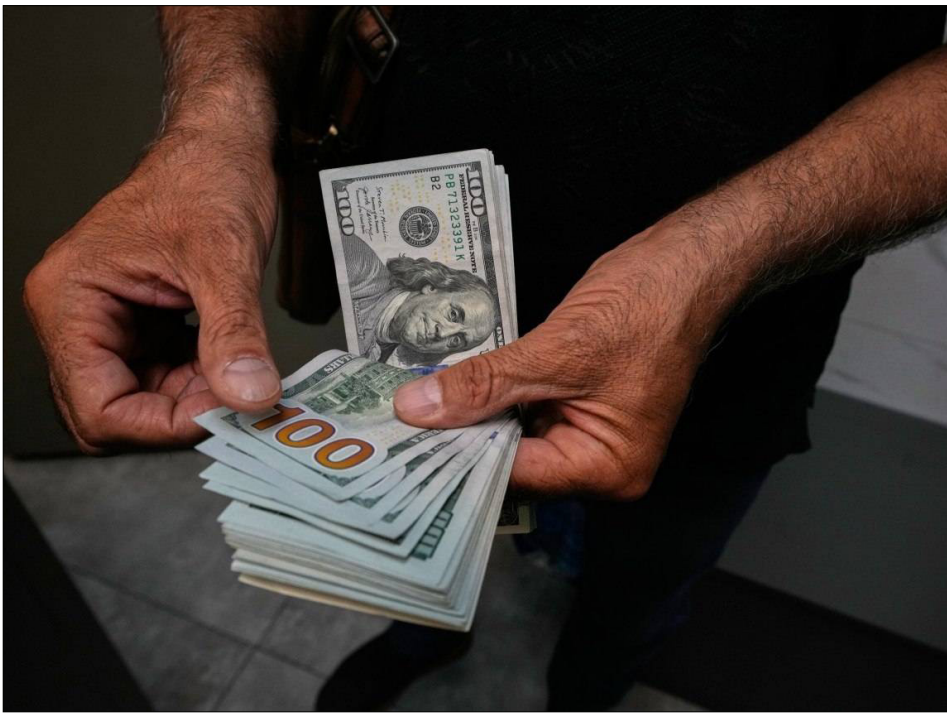
اقتصاددانان اثر مستقیم بنزین بر شاخص کل تورم را حدود یک واحد درصد تخمین می‌زنند. از آنجا که هزینه سوخت مستقیماً به زنجیره حمل‌ونقل و تولید سرایت می‌کند، چشم‌انداز سه‌ساله مسکو همچنان زیر سایه فشارهای صعودی انرژی قرار دارد.

جهش طلای سیاه، عقب‌نشینی طلای زرد

بازارهای جهانی در آغاز معاملات هفتگی با شوک دوگانه انرژی و بازدهی بدهی روبه‌رو شدند. نفت برنت با جهش ۳.۳ درصدی به ۱۰۷.۷۵ دلار و وست‌تگزاس اینترمدیت به ۹۴.۵۵ دلار رسید. تحلیلگران سطح ۱۲۰ دلار را مقاومت کلیدی برنت می‌دانند.

هم‌زمان، صعود بازده اوراق ۳۰ساله خزانه‌داری آمریکا به ۵.۵۱ درصد (بالاترین سطح از ۲۰۰۴) و تقویت دلار، پیش‌بینی افزایش دوباره نرخ بهره فدرال‌رزرو در اکتبر را تقویت کرد. این تحولات بورس‌های آسیایی را به زیر کشید و با کاهش جذابیت دارایی‌های بدون بهره، طلای جهانی را با افت ۲.۶ درصدی به ۴۰۱۷۶.۵۴ دلار و نقره را به ۶۱.۵۸ دلار رساند. نگاه معامله‌گران برای تعیین مسیر آتی به گزارش اشتغال پایان هفته آمریکا دوخته شده است.

راز جهش ارزی؛ پای ریسک سیاسی در میان است



مجموعه‌ای از خبرها را می‌بیند که می‌تواند بر ارزش آینده دارایی‌اش اثر بگذارد.

بازار ارز، فردا را امروز می‌خرد

اگر این ناطمینانی چند روز باقی بماند، محاسبه صاحب پول هم تغییر می‌کند و دیگر سؤال فقط این نیست که دلار فردا چند تومان بالاتر یا پایین‌تر می‌رود؛ او میان سودی که از نگه‌داشتن ریال می‌گیرد و ریسکی که برای آن می‌پذیرد مقایسه می‌کند. فاصله‌ای که برای جبران این ناطمینانی مطالبه می‌شود همان «صرف ریسک» است؛ هزینه‌ای که روی تابلوی صرافی نوشته نمی‌شود، اما می‌تواند میل به نگه‌داشتن ریال را کمتر و تمایل به دلار یا طلا را بیشتر کند.

با تغییر این محاسبه، ترکیب دارایی خانوار و بنگاه هم می‌تواند تغییر کند و آن وقت همه خریداران ارز دیگر واردکننده نیستند؛ بخشی از مردم برای حفظ ارزش دارایی، بخشی از شرکت‌ها برای پوشش تعهدات آینده و بخشی از سرمایه‌ها برای خروج از کشور تقاضای ارز ایجاد می‌کنند. نظریه «سبد دارایی» همین رفتار را توضیح می‌دهد، اما در اقتصاد ایران شکل آن را می‌توان خیلی ملموس‌تر دید؛ هر بار که ناطمینانی بالا می‌رود، رقابت میان سپرده، طلا، ارز، سهام و سایر دارایی‌ها هم دوباره داغ می‌شود و دلار می‌تواند سهم بیشتری از این سبد را به خود اختصاص دهد.

در همان پژوهش بانک تسویه‌های بین‌المللی، به مفهومی به نام «عمق بازار» اشاره شده است؛ مفهومی که خیلی ساده می‌گوید بازار تا چه اندازه توان جا دادن خریدهای تازه را بدون پرش شدید قیمت دارد. هرچه معامله و فروشندگی بیشتر باشد، فشار تقاضا راحت‌تر جذب می‌شود و هرچه این ظرفیت کمتر باشد، حتی یک موج نه‌چندان بزرگ خرید هم می‌تواند نرخ را بیشتر جابه‌جا کند و وضعیتی که در اقتصادهای نوظهور می‌تواند واکنش شدیدتری در برابر شوک‌های خارجی به‌دنبال داشته باشد.

وقتی فشار از بیرون مرزها می‌آید

کاهش ورود ارز نفتی در کنار سخت‌تر شدن انتقال منابع، ترکیبی می‌سازد که برای ایران از یک شوک صرفاً روانی فراتر می‌رود؛ وقتی صادرات نفت از سطح ماه‌های قبل پایین می‌آید، یک منبع واقعی عرضه ارز کوچک‌تر می‌شود و وقتی انتقال باقی درآمدها نیز پرهزینه‌تر است، بخشی از همان منابع موجود هم دیرتر به نقطه قابل استفاده می‌رسد. پژوهش هاشم پسران و داریو لوداتی درباره اقتصاد ایران نیز همین ارتباط را در دوره‌های گذشته پیدا کرده است؛ تشدید تحریم‌ها درآمد صادرات نفت را کاهش داده، ریال را در همان دوره تضعیف کرده و بعدتر اثر آن به تورم و رشد اقتصادی رسیده است. اهمیت ریسک‌های سیاسی هم زمانی

امروز ۶ مهر ۱۴۰۵، بازار دلار در تب‌وتاب به سر برد و قیمت آن در بازار آزاد از مرز ۲۴۰ هزار تومان عبور کرد و در میانه معاملات تا محدوده ۲۴۱ هزار و ۸۰۰ تومان پیش رفت. این وضعیت درست در زمانی رخ داد که سیاست‌گذار پولی از کنترل سرعت رشد متغیرهای مهمی همچون نقدینگی و تورم سخن گفته بود؛ همین هم کافی بود تا بار دیگر انگشت اتهام به سوی بانک مرکزی برگردد و این پرسش تکرار شود که اگر بخشی از فشارهای پولی در حال مهار شدن است، چرا دلار هنوز می‌تواند با چنین سرعتی بالا برود؟

شاید ساده‌ترین راه برای هر تکان دلار، رفتن به سراغ چند متهم قدیمی باشد؛ نقدینگی، تورم و نرخ سود. این متغیرها هنوز مهم‌اند، اما بازار ارز مدت‌هاست از یک معادله ساده فاصله گرفته است. صندوق بین‌المللی پول در تازه‌ترین پژوهش خود درباره ۲۵ اقتصاد نوظهور در سپتامبر ۲۰۲۶، میان دو جنس فشار بر نرخ ارز تفکیک می‌کند؛ فشارهایی که آرام‌تر از دل متغیرهای اقتصادی بالا می‌آیند و فشارهایی که از ریسک، شرایط مالی و اختلال در خود بازار شکل می‌گیرند و می‌توانند خیلی زودتر روی قیمت دیده شوند.

از یک قدم جلوتر از آمار

بازار ارز معمولاً از بقیه اقتصاد بی‌قراتر است و ایران این ویژگی را بارها با فاصله زمانی بسیار کوتاه میان خبر و قیمت تجربه کرده است؛ کارخانه برای تغییر تولید زمان می‌خواهد، قراردادهای یک‌شبه عوض نمی‌شوند و آمار تجارت هم با تأخیر منتشر می‌شود، اما کافی است خبری درباره صادرات نفت، محدودیت تازه در انتقال پول یا احتمال تشدید درگیری منتشر شود تا خریدار و فروشنده همان روز رفتار دیگری نشان دهند. رودرگیر دوربین‌ش سال‌ها پیش در نظریه «جهش بیش از حد نرخ ارز» همین رفتار را توضیح داده بود؛ قیمت ارز می‌تواند زودتر از بخش واقعی اقتصاد حرکت کند و در واکنش نخست حتی بیشتر از اثری که در بلندمدت باقی می‌ماند، بالا برود.

در شرایط فعلی ایران، از میانه تیرماه، محدودیت‌های دریایی صادرات نفت ایران را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است. برای اقتصادی که بخش مهمی از عرضه ارز کشور را با درآمد نفت می‌سجد، تصویری است از اینکه ورود ارز در ماه‌های بعد ممکن است چگونه صورت گیرد. وقتی چنین خبری روی میز فعال اقتصادی قرار می‌گیرد، رفتارش هم لزوماً تا زمان انتشار آمار بعدی ثابت نمی‌ماند؛ در نتیجه بخشی از تقاضای آینده روی امروز جمع می‌شود و بخشی از عرضه امروز عقب می‌نشیند، بی‌آنکه در همان چند ساعت اتفاق بزرگی برای حجم پول افتاده باشد.

همین جلو افتادن خریده‌ها و عقب نشستن فروشنده‌هاست که مفهوم «انتظارات» را از کتاب اقتصاد بیرون می‌آورد و وسط بازار تهران می‌گذارد؛ نرخ دلار فقط آنچه امروز اتفاق افتاده را منعکس نمی‌کند، بلکه بخشی از چیزی را که فعالان اقتصادی احتمال می‌دهند فردا رخ دهد هم با خود حمل می‌کند. پژوهش تازه بانک تسویه‌های بین‌المللی حتی نشان می‌دهد در اقتصادهای نوظهور، گاهی «تهدید» یک اتفاق ژئوپلیتیک می‌تواند اثری بزرگ‌تر و ماندگارتر از خود رویداد بر صرف ریسک بگذارد، چون بازار پیش از تحقق کامل خطر شروع به قیمت‌گذاری آن می‌کند.

این رفتار در ایران امروز مصداق بسیار ملموسی دارد؛ در هفته‌های اخیر هم‌زمان خبرهای مربوط به تنگه هرمز، درگیری‌های منطقه‌ای، محدودیت صادرات نفت و فشارهای تازه بر شبکه‌های انتقال پول منتشر شده است. در چنین فضایی، دارنده ریال فقط نرخ سود بانکی را مقابل خود نمی‌بیند؛

چالش جدید واردات موبایل

توقف پروازهای عمان به ایران نگرانی‌هایی درباره تأمین گوشی تلفن همراه ایجاد کرده است چرا که برخی مسئولان صنفی چنین اعلام کرده‌اند که با توقف پروازهای عمان این روند متوقف خواهد شد.

البته بررسی گزارش‌های منتشرشده نشان می‌دهد که نمی‌توان از «توقف کامل واردات موبایل» سخن گفت. آنچه در عمل اتفاق افتاده، اختلال در مسیر اصلی حمل‌ونقل هوایی و جایگزین شدن بخشی از آن با مسیر دریایی است؛ تغییری که می‌تواند زمان رسیدن کالا به کشور را افزایش دهد و روند تأمین بازار را کندتر کند.

بر اساس گزارشی که ایسنا منتشر کرده، با ادامه محدودیت پروازهای خارجی، انتقال محموله‌های موبایل از مسیر هوایی با مشکل مواجه شده است، اما مسیر دریایی به‌عنوان گزینه جایگزین فعال است. در این مسیر، کالا از مبادی منطقه‌ای مانند عمان و از طریق شناورها و لنج‌ها به بنادر ایران منتقل می‌شود. بنابراین اصل جریان ورود کالا متوقف نشده، هرچند حمل دریایی نسبت به حمل هوایی زمان بیشتری برای انتقال و سپس ترخیص نیاز دارد.

ویدئو



پشت پرده گرانی مرغ

دعوا بر سر سفره مردم است یا بازگشت رانت؟



دیپلماسی پاندا



ضرورت غیرقابل انکار کالا برگ

